

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 موضوع جزئی: آیه ۴۵ _ ارتباط آیه با آیات قبل _ مفردات آیه _
 تاریخ: ۲۷ دی ۱۴۰۰
 مصادف با: ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۴۳
 بخش اول: «استعینوا بالصبر و الصلوة» _ مطلب اول: مخاطب «استعینوا»
 جلسه: ۳۶

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

آیه ۴۵

در آیه ۴۵ خداوند تبارک و تعالی میفرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِنَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»؛ استعانت بجوید به صبر و نماز، و صلاة بنا بر قولى یا استعانت بنا بر قول دیگری، بسیار بزرگ و سخت است مگر بر اهل خشوع.

ارتباط آیه با آیات قبل

این آیه به دنبال آیات قبل در حقیقت عالمان یهود و توده های بنی اسرائیل را دعوت می کند به استعانت به صبر و نماز. در آیات قبلی برخی از تکالیف برای آنها بیان شده بود در قالب امر و نهی. مثلاً «لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا»، یعنی اینکه آیات خدا را به ثمن بخش نفروشید. یا اینکه خود را فراموش نکنید. یا «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ». به هر حال در چند آیه قبل مجموعه ای از تکالیف را خطاب به یهود اعم از توده های آنها و عالمانشان بیان کرده بود. لکن در این آیه بواسطه دشواری که در آن تکالیف به نظر می رسد، دستور به استعانت و کمک گرفتن از صبر و نماز می دهد.

پس علت اینکه امر به استعانت کرده، برای این است که عمل به آن تکالیف به نظر سخت و دشوار است و نیازمند عون و مساعدت و کمک است. لذا خداوند میفرماید برای اینکه از دشواری آن تکالیف کاسته شود، استعانت و طلب عون و کمک داشته باشید و اینکه به چه چیزی استعانت داشته باشد، صبر و نماز. البته طبق یک احتمال میفرماید استعانت کار بزرگی است و سخت است که کسی بخواهد به این دو استعانت بجوید، مگر اینکه کسی اهل خشوع باشد. بعداً توضیح بیشتری خواهیم داد و فعلاً به صورت اجمالی داریم بیان می کنیم. بنا بر احتمال دیگر «انها» برمی گردد به صلاة، یعنی نماز. پس از نظر ارتباط این آیه می توان گفت این یک راهی است برای توانمند شدن برای اتیان به تکالیف دشواری که قبل از آن خداوند تبارک و تعالی بیان کرده اند.

در ادامه یعنی آیه ۴۶ هم مرتبط با این آیه است و بعداً خواهیم گفت که خداوند تبارک و تعالی در آیه ۴۶ خاشعین را توصیف می کند که چه کسانی هستند، «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

مفردات آیه

طبق معمول یک توضیح اجمالی درباره مفردات این آیه می دهیم.

۱. «استعانت»

یکی از واژه‌هایی که در این آیه تا حدودی نیازمند توضیحی اجمالی هستند «استعانت» است.

استعانت در حقیقت به معنای طلب عون و کمک است. کسی که نیازمند است، کمک میطلبد و الا اگر کسی نیاز نداشته باشد، دلیلی برای کمک کردن نیست. پس استعانت یعنی طلبُ العون. این هم در جایی که نیازمندی محدود وجود دارد و هم در جایی که نیازمندی مطلق است کاربرد دارد، هم در فقر مطلق و هم در فقر نسبی انسان نیازمند کمک است. اگر فقر نسبی ملازم با استعانت است، فقر مطلق به طریق اولی نیازمند استعانت است. طبیعتاً در اینجا انسان باید استعانت بجوید. معنای صبر هم معلوم است و توضیح خاصی نیاز ندارد.

۲. «صلوة»

در مورد صلاة دو دیدگاه وجود دارد:

۱. برخی معتقدند صلاة در اینجا به معنای لغوی آن یعنی دعا است. اینکه خداوند میفرماید: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، یعنی استعینوا بالصبر و الدعاء. شاید صبر و دعا بیشتر مناسب باشند، مخصوصاً با توجه به اینکه مخاطب این آیه هم یهود و عالمان آن‌ها هستند. بالاخره آن‌ها معنای صبر را میفهمیدند. برای آن‌ها استعانت به صبر هم غیر عادی به نظر نمی‌رسید. اما صلاة اگر بخواهد حمل شود بر معنای اصطلاحی یعنی اعمال مشتمل بر اجزا و شرایط خاص، ممکن است جای این شبهه باشد که چگونه ممکن است خداوند تبارک و تعالی کسانی را که منکر رسالت پیامبر بودند، مأمور به صلاة به این نحو خاص بکند. لذا برخی بر این عقیده اند که صلاة در این آیه به معنای دعا است و این هم وجه ترجیح آن است.

۲. اما اکثر مفسرین بر این باور اند که مقصود از صلاة، نماز است. یعنی آنچه که در بین مسلمانان رایج است و خداوند دارد میفرماید: به این نماز استعانت بجوید. وجهی هم که می‌توان برای آن ذکر کرد، این است که اکثر قریب به اتفاق موارد استعمال صلاة در قرآن به همین معنا است. یعنی خیلی کم در قرآن صلاة به معنای دعا به کار رفته. لذا با توجه به غلبه ای که استعمال صلاة در این معنا دارد، و قرینه بر خلافتش نیست، این را حمل می‌کنیم بر معنای متعارف. اینکه کدام یک از این دو به واقع نزدیک تر است و حق است را در ادامه بحث تفسیری مطرح خواهیم کرد.

۳. «خشوع»

واژه دیگری که تا حدودی نیاز به بیان دارد، لفظ «خشوع» است.

خشوع یعنی حالت تسلیم، پذیرش و عبودیت واقعی و قلبی در مقابل دیگری. احساس رقیبت، تسلیم، کوچکی در برابر دیگری و آنهم به عنوان امری درونی. خشوع در مقابل خضوع است، خضوع هم همین است، منتهی مربوط به ظاهر است. یعنی اعضای جوارحی انسان وقتی در مقابل دیگری کارهایی می‌کند که این حالت رقیبت و تسلیم و بندگی و نرمی و تواضع نشان داده می‌شود، تعبیر خضوع به کار برده می‌شود. همین حالت اگر به اعضای جوارحی مربوط باشد، به امور قلبی مربوط باشد می‌شود خشوع. لذا چه بسا انسان در مورد خضوع بتواند ریا کند، اما در خشوع ریا ندارد، چون امری قلبی است. کسی ممکن است برای ریا خودش را خاضع نشان دهد، چون حالاتی که در اعضا و جوارح او پیش

می‌آید، می‌تواند به حسب ظاهر این حالت را در او نشان دهد. اما در خشوع که امری قلبی است دیگر ریا معنا ندارد. بالاخره یا هست و یا نیست. یا به حسب قلبش این حالت در او وجود دارد یا ندارد. دوگانگی نبودن به حسب واقع و بودن به حسب ظاهر در مورد امور قلبی دیگر معنا ندارد. امر دایر می‌شود بین وجود و عدم.

بعد از اینکه معنای اجمالی آیه را ذکر کردیم و بعد از معلوم شدن ارتباط این آیه با آیات قبل و تبیین واژه‌ها، بحثی که در این آیه وجود دارد را عرض کنیم.

این آیه مشتمل بر دو بخش است، یکی امر به استعانت به صبر و صلاة است، و دیگری هم «وَأَنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ». البته آیه بعد هم که توصیفی درباره خاشعین دارد، ارتباط این دو آیه را کاملاً معلوم می‌کند.

بخش اول: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

مطلب اولی که در بخش اول باید طرح کنیم، این است که مخاطب امر به استعانت چه کسانی هستند. می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؛ امر به استعانت می‌کند که استعانت بجوئید، حال چه کسانی باید استعانت بجویند؟

مطلب اول: مخاطب «استعینوا»

دو قول در اینجا وجود دارد:

قول اول

مؤمنان به پیامبر و رسول او مخاطب اند. یعنی خداوند می‌فرماید که ای مؤمنان به رسول خدا، شما به صبر و صلاة استعانت بجوئید، دلیلشان هم این است که اگر بخواهد مخاطب این امر یهود باشد، آن‌ها منکر صلاة اند، آنوقت خداوند چطور می‌خواهد آن‌ها را امر به صلاة کند؟ و نیز منکر صبر اند، منتهی صبر علی دین محمد (ص). صبر بر چه چیزی کنند؟ صبر به خاطر دین پیامبر کنند و آن‌ها این را هم قبول ندارند، پس این‌ها نه صلاة را قبول دارند و نه صبر را، آنگاه چگونه ممکن است خداوند به این‌ها امر کند «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؟ لذا چاره ای نیست جز اینکه مخاطب «استعینوا» را مؤمنان به رسول خدا بدانیم. یعنی اینجا خداوند دارد می‌گوید ای مؤمنان «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».

إن قلت: ممکن است اشکالی در اینجا پیش بیاید که این چگونه ممکن است؟ تا به حال همه خطاب‌ها متوجه به یهودیان بود، توده‌ها و عالمان آن‌ها، مانند آیه قبل که فرمود: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و همچنین آیات قبل. آنوقت در اینجا امر برگردد از آن‌ها و متوجه مسلمانان شود؟

قلت: این گروه پاسخ می‌دهند که هیچ محذوری برای تغییر خطاب و توجه به گروهی غیر از یهود وجود ندارد.

قول دوم

در مقابل، جمعی معتقدند مخاطب این آیه بنی اسرائیل اند و اینکه بخواهیم خطاب را از بنی اسرائیل منحرف به مؤمنان به پیامبر کنیم، بر خلاف ظاهر آیه است و مخالف نظم موجود در آیه است. یعنی تا به الان خطاب به آن‌ها بود، الان

یکباره تغییر کند. در ادامه هم مطالبی داریم که به نوعی مبعّد این قول است. پس دلیل این قول این است که تغییر خطاب بر خلاف ظاهر آیه است.

إن قلت: ممکن است در اینجا اشکال شود که چطور در حالی که اینها منکر نماز اند و صبر بر دین پیامبر هم مورد پذیرش اینها نیست و صبر در این چارچوب را قبول ندارند، خداوند به اینها امر کند که استعانت به صبر و صلاة داشته باشید؟

قلت: چه کسی گفته که اینها منکر صبر و صلاة اند؟ اولاً صبر فی نفسہ امری است که عند العلاء نیکو شمرده می شود و صبری که در آیه آمده، صبر علی دین محمد ندارد بلکه مطلق آمده. این یک امر عقلایی است، همه عقلا صبر را نیکو و حسن می دانند.

نماز هم به طور کلی مورد انکار نیست چون صلاة در اینجا در حقیقت به عنوان یک وسیله و راهی است برای توجه به خداوند تبارک و تعالی و این قدر مشترک بین آنها و مسلمانان است. نماز آنها با مسلمانان فرق داشته و در این تردید نیست. اما قدر جامعی بین نماز آنها و مسلمانان وجود دارد و آن اینکه هر دو ذکر خدا و یاد خدا محسوب می شوند و باعث می شود توجه انسان از غیر خدا به سوی خدا جلب شود. لذا مشکلی از این جهت نیست که چطور ممکن است خداوند آنها را امر کند به چیزی که منکر اند. آنها نه منکر صبر اند و نه منکر صلاة، چون صلاة در اینجا در واقع عنوانی است که اشاره به قدر مشترک بین همه ادیان دارد، منتهی کیفیت اینها متفاوت بوده.

«والحمد لله رب العالمین»